

**Legal-jurisprudence Principles of Islamic Republic of Iran
Criminal Policy against Behaviors leading to air pollution:
Challenges and Solutions**

Manzar Karimi¹, Ali Mashhadi², Mohammad Barani³

¹ PhD. Criminal Law, Law Department, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. m.karimi¹1391@gmail.c

² Associate Professor, Law Department, Qom University, Qom, Iran(**Corresponding Author**). droitenviro@ gmail.com

³ Associate Professor, Amin Police University, Tehran, Iran. F³rzad@yahoo.com

Abstract

In fact, behaviours leading to air pollution includes omissions and acts leading to release of one or some contaminants in the air in a way that some changes are noticed in the air quality and these changes put human and other living beings health in danger and they are harmful and cause disturbance in public welfare or reduce it drastically. The consequences and negative effects of such behaviors (hygienic, social, political, legal aspects and etc..) have made the governments to take action against it and consider it as an environmental issue and one of the most important human rights in their macro-political planning. One of the preventive methods is utilizing criminal policy as a comprehensive and effective plan with certain principles and framework that reduce or omit these acts. But as the proper understanding of criminal policy in Iran needs realizing the mentioned policy principles, this paper has used descriptive-analytical method and library instruments to examine legal-jurisprudence principles as the most significant and fundamental criminal policy principles to prevent the behaviours leading to air pollution.

Keywords: Religious Jurisprudential Principles, Lawful Principles, Criminal Policy, Air Protection.

¹ This paper is Extracted from Dr. Manzar Karimi PhD thesis under the title of : " Analysis of Islamic Republic of Iran Criminal Policy against Behaviors leading to Air Pollution".It is supervised by Dr. Ali Mashhadi and advised by Dr. Mohammad Barani in the field of Criminal Law and has been presented in Human Sciences Department in Islamic Azad University, Qom Branch.

مبانی فقهی - حقوقی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده کننده هوا^۲

منظر کریمی^۱، علی مشهدی^۲، محمد بارانی^۳

^۱دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. m.karimi2013ir@gmail.com

^۲دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). droitenviro@gmail.com

^۳استادیار، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. F2rzad@yahoo.com

چکیده

رفتارهای آلوده‌کننده هوا، شامل آن دسته از رفتارها اعم از فعل و ترک فعل است که منجر به انتشار یک یا چند آلاینده در هوای آزاد به گونه‌ای می‌گردد که کیفیت هوا را به نحوی تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده یا آثار و ابنیه، زیان‌آور بوده و سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد. عواقب و تاثیرات منفی و فراگیر چنین رفتارهایی (از جنبه‌های مختلف اعم از بهداشتی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ...) سبب شده که دولت‌ها مقابله با آنها را به صورت یک مساله محیط زیستی و به عنوان یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری، در برنامه‌ریزی‌های کلان خود مورد توجه قرار دهند. یکی از روش‌های مقابله با این رفتارها، بهره‌گیری از سیاست جنایی، به عنوان یک برنامه جامع، موثر و کاراست که با مبانی و چارچوبی مشخص، به کاهش و یا حذف ارتکاب این رفتارها می‌پردازد. لیکن، از آنجا که دستیابی به شناختی صحیح از سیاست جنایی ایران در این خصوص در وهله نخست، نیازمند شناخت مبانی سیاست مذکور است، لذا، این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به بررسی مبانی فقهی و حقوقی به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین مبانی سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، هوای پاک، آلودگی هوا، محیط زیست.

به طور کلی آلودگی هوا عبارت است از وجود هرگونه ترکیبات گازی یا مایع یا جامد و یا مخلوطی از آنها در هوا که با توجه به منشاء تولید، ماهیت، غلظت و مدت زمان حضور در اتمسفر بتواند به طور مستقیم و غیر مستقیم، سلامتی و بهداشت را به مخاطره انداخته و به جانداران و گیاهان آسیب رساند و اجسام، ساختمان‌ها و اموال را تخریب نماید و در نتیجه رفاه و آسایش عمومی و تعادل طبیعی محیط زیست و اتمسفر را مختل سازد. در واقع، آلودگی هوای هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت است و این امر به شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و غیره وابسته است (صدوق، ۱۳۸۴، ص ۹). عامل آلوده‌ساز هوا می‌تواند عامل طبیعی یا انسانی باشد و آنچه موضوع اصلی این نوشتار را دربرمی‌گیرد، عامل انسانی آلوده‌ساز، یعنی آن دسته از رفتارها اعم از فعل و ترک فعل است که به گونه‌ای منجر به آلودگی هوا به معنای پیش گفته می‌گردد. در تشریح اهمیت موضوع باید گفت که براساس یک گزارش، میزان بیماری‌های جهانی (۲۰۱۳)، آلودگی هوا چهارمین عامل خطر برای مرگ منتسب در دنیا و همچنین هفتمین عامل خطر در ایران می‌باشد (نادری و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۴). به همین لحاظ، پس از اطلاع‌رسانی دانشمندان و محققان در خصوص اثرات آلودگی هوا بر انسان، گیاهان، جانوران و اشیاء بی‌جان و به دنبال آن رشد آگاهی ملت‌ها در این خصوص، زمینه شکل‌گیری و تدوین قوانین و مقررات مختلفی در مواجهه با آلودگی هوا در کشورها به تصویب رسید و کشور ما نیز از این مهم بی‌بهره نماند و این آغاز تولد «حقوق آلودگی هوا» در کشورها و نیز در ایران بود. در واقع، حقوق آلودگی هوا از حوزه‌های تخصصی گرایش جدید حقوق محیط زیست می‌باشد که منظور از آن مجموعه قوانین، مقررات و اصول حاکم بر کنترل و حفاظت از هوای پاک است. همچنین بعضی رویکردها مربوط به تحلیل قواعد کیفری ناظر بر حفاظت از هوای پاک است که می‌توان آن را حقوق کیفری هوا نامید (عبدالهی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱). در واقع در حقوق آلودگی هوا تلاش می‌گردد با استفاده از مبانی و ابزارها و روش‌های مورد استفاده در گرایش‌های مختلف علم حقوق، نظام حقوقی حاکم بر آلودگی هوا مورد بررسی و تحلیل واقع گردد.

همانطور که در نظام حقوقی ایران نیز قوانین و مقرراتی برای داشتن هوای پاک تصویب و دولت را به فراهم آوردن شرایط و بسترهای داشتن هوای پاک ملزم و بر پیشگیری و مقابله با آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست شهروندان شود تاکید نموده است، بدین ترتیب، حقوق محیط زیست در ایران نیز برای حمایت از هوای پاک به میدان آمده است و با برقراری تعاملی دوسویه با دانش سیاست جنایی برای رسیدن به اهداف خود، می‌کوشد. اینجاست که دانش «سیاست جنایی» نقشی درخور توجه به خود می‌گیرد، چراکه این دانش با شناساندن مفهوم سیاست جنایی و نیز تعریف روش‌های کاربردی برای حاکم نمودن این سیاست، گام‌های رسیدن به هرگونه هدفی را که سیاست جنایی به دنبال آن باشد، رهنمون می‌سازد، در این دانش، مفهوم «سیاست جنایی» شامل مجموعه تدابیر متنوع کیفری و غیرکیفری است که دولت و جامعه مدنی به طور مستقل یا با مشارکت یکدیگر در برخورد با جرم و انحراف در پیش می‌گیرند. این برنامه کامل را می‌توان در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا نیز سنجید، معایب آن را رفع کرد و از آن برای دستیابی به هدف پاکسازی هرچه بیشتر هوا بهره جست.

بدین ترتیب می‌توان گفت که موفقیت در حفاظت از هوای پاک یک کشور، بستگی بسیاری به نحوه تدابیر و نیز سایر اجزاء و جنبه‌های موجود در سیاست جنایی آن کشور در جهت مقابله با آلودگی هوا دارد. در واقع سیاست جنایی ایران هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی دستخوش تحولات شگرفی گردیده و تغییرات چشمگیری را در نهادهای مختلف جامعه به وجود آورده است (نجفی توانا، ۱۳۸۶، ص ۱). به عبارتی اگر سیاست جنایی را به منزله تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است، زیرا به هر حال در مقابل جرم، واکنش خاصی داشته است.

حتی عدم واکنش نیز خود نوعی سیاست جنایی است که از آن به مدل سیاست جنایی صفر تعبیر می‌کنند (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

در حال حاضر تاکید و تکیه سیاست جنایی نوین بر لزوم استفاده از کلیه روش‌ها و ابزارها، اعم از روش‌های سرکوب‌گرانه و روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری و نیز روش‌های پیشگیرانه به جای استفاده صرف از روش‌های سرکوب‌گر می‌باشد. لذا، اهمیت بررسی سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا در راستای درک این مهم که ابزار و تدابیر به کار رفته تا چه حد سنجیده است و کارایی دارد، روشن می‌گردد و از آنجا که اولین قدم در بررسی سیاست جنایی هر کشوری در هر موضوعی، شناخت مبانی سیاست مذکور است تا بتوان نتایج متقنی در خصوص میزان بهره‌گیری از ظرفیت مبانی موجود در سیاست جنایی فعلی به دست آورد. لذا بررسی مبانی این سیاست در این موضوع ویژه، در کشور ایران، اهمیت می‌یابد. اما از آنجا که پرداختن به بحث مبانی به طور کلی، به دلیل پراکندگی و وسعت آن، خارج از حوصله این نوشتار است، بدین ترتیب به بررسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی بسنده گردیده است. بدین شرح که با عنایت به نقش مبانی مهم و موثر قواعد فقهی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان اعم از وضع قوانین و مقررات، تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کلان و ... از یک‌سو و نیز نقش غیرقابل انکار مبانی حقوقی و نقش پایه‌ای آنها در شکل‌گیری هر نوع سیاست حمایت‌کننده از حقوق عامه از سوی دیگر، این نوشتار به بررسی مبانی فقهی و حقوقی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا و چالش‌ها و راهکارهای موجود برای بهره‌گیری از این مبانی می‌پردازد. بنابراین، در تلاش برای دست یافتن به چنین شناختی، سوال‌های اصلی تحقیق عبارت است از:

۱. مهم‌ترین چالش سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا برای بهره‌گیری از مبانی فقهی موجود در حمایت از سیاست مذکور کدام است؟

۲. مهم‌ترین چالش سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌ساز هوا برای بهره‌گیری از مبانی حقوقی موجود در حمایت از سیاست مذکور کدام است؟

در این راستا، فرضیه‌های متناظر با سوالات مطروح، به شرح ذیل است:

۱. به نظر می‌رسد استناد به قاعده تسلیط مهم‌ترین چالش سیاست جنایی برای بهره‌گیری از مبانی فقهی موجود در راستای حمایت از هوای پاک است.

۲. به نظر می‌رسد عدم انسجام و یکپارچگی و نیز کیفی نبودن قوانین و مقررات موجود در حوزه حمایت از هوای پاک، مهم‌ترین چالش سیاست جنایی حمایت‌گر از هوای پاک در ایران برای بهره‌گیری از مبانی حقوقی موجود است.

در مباحث پیش‌رو، پس از نگاهی به ضرورت بررسی و تحلیل سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آلودگی هوا به کار رفته در نوشتار، با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به تحلیل و مطالعه موضوع خواهیم پرداخت.

۲. مبانی فقهی سیاست جنایی ایران در مقابله با آلودگی هوا

با عنایت به اهمیت مبانی فقهی و توجه به این مساله که مبانی حقوقی در کشور ما به نوبه خود، بر مبنای فقه استوارند، ابتدا مبانی فقهی و چالش‌هایی که سیاست جنایی در تقابل با رفتارهای آلوده‌ساز هوا از حیث مبانی فقهی با آن مواجه است، مورد بررسی قرار گرفته و سپس مبانی حقوقی و چالش‌های مربوطه تحلیل خواهد شد.

از آنجایی که هدف اصلی از حفاظت محیط زیست و هوای پاک، جلوگیری از آلوده نمودن و تخریب آن می‌باشد، بنابراین، می‌بایست هر عملی که بر خلاف آن انجام گردد، به مقابله با آن پرداخته شود. با مراجعه و تدبیر در قواعد فقهی می‌توان مبانی درخور توجهی برای این مهم در فقه یافت که در مباحث پیش‌رو مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱-۲. قاعده منع اضرار به غیر

یکی از قواعد مشهوری که در ابواب مختلف فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد، «قاعده لاضرر» است که ادله چهارگانه از کتاب، سنت، عقل و اجماع بر حجیت و اعتبار این قاعده دلالت دارند (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹). «ضرر» معادل کلمه «اضرار» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۸) و به معنای «زیان رساندن» آمده است (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۳۸۸) و شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارده بر دیگران است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱) و معنای حدیث لاضرر آن است که ضرر در اسلام، مشروعیت ندارد و عدم مشروعیت ضرر هم شامل مرحله قانونگذاری و هم شامل مرحله اجرای قانون می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰). این اصل در واقع، روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. بر طبق این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه عملی مشروع نمی‌باشد و نمی‌توان قانونی وضع یا به مرحله اجرا گذاشت که متضمن ورود ضرر برای فرد یا جامعه باشد. بنابراین، می‌بایست در حوزه قانونگذاری در موضوع هوای پاک، این اصل سرلوحه قانونگذار قرار گیرد و در سیاست جنایی تقنینی در وضع هر ماده، ملحوظ نظر واقع گردد. به عبارت دیگر، در صورتی که شخصی در اثر ایجاد آلودگی هوا به دیگری هرگونه خسارتی اعم از جانی و مالی وارد نماید، به لحاظ خسارت وارده، مسئول و موظف به جبران خسارت وارده خواهد بود و این امر به نوبه خود، نشانگر جایگاه و نقش مبنایی قاعده لاضرر در سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای آلوده‌ساز هوا است.

۲-۲. قاعده مزاحمت

در واقع می‌توان این قاعده را تحت عنوان مزاحمت‌های غیر عادی ناشی از مجاورت که در اثر یکجانشینی انسان‌ها شکل گرفته، مطرح کرد. این قاعده در بحث از مبانی فقهی سیاست جنایی موجود در مقابله با رفتارهای منجر به آلودگی هوا نقش اساسی دارد، چرا که براساس این قاعده، مزاحمت‌های ناشی از مجاورت، شامل کلیه اقداماتی است که باعث ایجاد مزاحمت، نسبت به مجاورین می‌گردد. لذا، می‌تواند شامل رفتارهای منجر به آلودگی هوا نیز به لحاظ آثار مخرب آنها برای مجاورین و سایرین بشود. از جمله اقدامات آلوده‌کننده‌ای مانند انتشار دود، بو، ذرات گرد و غبار، سر و صدا و غیره که به دنبال آن مسئولیت مالک یا مجاور مزاحم، مطرح می‌گردد (مشهدی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷). به طور مثال واحدهای صنعتی هم‌جوار، در صورتی که با انتشار آلاینده‌های هوا موجبات مزاحمت صنایع اطراف خود را فراهم نمایند، مشمول این قاعده می‌باشند. بدین ترتیب در تبیین مبانی فقهی سیاست جنایی مقابله‌کننده با رفتارهای آلوده‌ساز می‌توان این قاعده را نیز در نظر گرفت.

۳-۲. تأکیدات موجود در فقه اسلامی برای حفاظت از انفال و مشترکات عمومی

علاوه بر اصل لاضرر، موارد دیگری نیز وجود دارد که با ارجاع و استناد به آنها می‌توان مانع اجرای اعمالی گردید که تخریب محیط زیست و به ویژه آلودگی هوا را در پی دارد. یکی از این موضوعات بحث انفال می‌باشد. همچنان که خداوند در آیه یک سوره انفال می‌فرماید: «در باره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال از آن خدا و پیامبر است. فقها در مورد مصادیق انفال، تفسیرهای متفاوتی دارند که ناشی از مقتضیات هر زمان و مکان و نیاز اجتماعی مردم در هر دوره‌ای است.

به طور کلی منظور از انفال، اموال عمومی می‌باشد که اختصاص به فرد خاصی ندارد، نظیر کوه‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، معادن، آب‌های زیرزمینی و فضا و هوا. اگر مسایل مربوط به برخی از این موارد در گفتار فقها بیان نشده، به این معنا نیست که این اموال عمومی را نمی‌توان از مصادیق انفال محسوب کرد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۳). چرا که علت عدم ذکر، عدم ابتلای به آنها در آن شرایط بوده است، همچنین در فقه شیعه مقصود از انفال، کلیه اموال عمومی است که خداوند برای بندگان خلق نموده است، یعنی اموالی که ساخته دست بشر نیست و به شخص خاصی نیز تعلق ندارد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۳)، مانند جنگل‌ها و هوا و فضا و غیره که پیش‌تر ذکر گردید. لذا، با توجه به اینکه حقوق محیط زیست و همچنین حقوق آلودگی هوا مصادیق مذکور را مورد توجه قرار می‌دهد، بنابراین، می‌توان بیان داشت که این موضوعات با مسایل انفال کاملاً مرتبط و متشابه است و می‌بایست در سیاست جنایی مقابله با رفتارهای منجر به آلودگی هوا مورد توجه قرار گیرد.

در خصوص مفهوم مشترکات نیز در فقه ناظر بر اموالی است که به نحوی از انحاء، متعلق حق عموم باشند و اصطلاح تفصیلی آن مشترکات عمومی است. در واقع همان اموال عمومی است که در استفاده از آنها همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند و تفاوت آن با انفال در این است که دامنه گسترده‌تری از انفال را در برمی‌گیرد، زیرا تعریف انفال آنچنان که ذکر شد، آن اموال عمومی است که خداوند برای بشر خلق نموده است، ولی مشترکات عمومی علاوه بر بحث انفال شامل اموالی که ساخته و پرداخته دست بشر برای بهره‌برداری و استفاده عموم است نیز می‌شود، نظیر پارک‌ها، خیابان‌ها، مدارس، پل‌ها. برای این موارد نیز فقها شرایطی را مقرر نموده‌اند. به عبارت دیگر، استفاده از این اموال نباید موجبات ضرر یا ایجاد مزاحمت برای دیگران را فراهم نماید. همچنین هر فرد در حد نیاز خود مجاز به استفاده از این اموال می‌باشد. در خصوص این مورد اخیر در واقع بحث اسراف و تبذیر تاکید شده در قرآن و نیز علمای دین می‌تواند در همین راستا باشد. همچنین دولت که حافظ منافع جامعه است می‌تواند با اتخاذ سیاست جنایی مناسب در بحث مشترکات عمومی، با وضع قوانین و اجرای مناسب و اتخاذ تدابیر پیشگیری از تخریب این اموال ممانعت به عمل آید (حیبی و نجارزاده هنجی، ۱۳۸۸، ص ۵۵). بدین ترتیب، نکاتی که در خصوص این اموال قابل ذکر به نظر می‌رسد آن است که از یک‌سو، اگر دولت با کسانی که با رفتارهای ناصحیح موجب آلودگی هوای پارک‌ها، خیابان‌ها و مصادیقی از این دست، از مشترکات عمومی گردیده و بر کیفیت این اموال و امکان استفاده و بهره‌مندی دیگران، تاثیرات منفی و مخرب به جای می‌گذارند، مقابله و برخورد نموده و یا به هر طریقی از بروز این رفتارها پیشگیری نماید، در راستای حفاظت از مشترکات عمومی عمل کرده است، چرا که آلودگی هوا می‌تواند حتی منجر به تخریب بناهایی مثل پل‌ها، ابنیه تاریخی و... گردد. لذا، علاوه بر اینکه آلودگی هوا در آن دسته از مشترکات عمومی نظیر پارک‌ها و خیابان‌ها که محوطه‌های باز دارند، می‌تواند منجر به کاهش کیفیت یا به طور کلی بی‌کیفیت شدن و یا غیرممکن شدن استفاده و بهره‌برداری از آنها گردد، می‌تواند با تاثیرات مخرب بر روی بناها، آن دسته از مشترکات عمومی که استفاده از آنها نیاز مستقیم به بهره‌گیری از هوای محوطه باز نیست نیز با تخریب ساختمان‌شان، تاثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر، می‌توان در راستا و در نتیجه همین بحث چنین نیز اظهار داشت که رفتارهای منجر به آلودگی هوا از آن جهت که باعث تاثیر بر مشترکات عمومی می‌گردد نیز باید با محدودیت مواجه گردد. برای نمونه رفتارهای آلوده‌ساز هوا نه صرفاً به دلیل آنکه هوا می‌تواند جزئی از برخی از مشترکات عمومی مثل پارک‌ها باشد و بر روی آنها تاثیر بگذارد، بلکه حتی به دلیل آنکه خود هوا به عنوان یک عنصر جداگانه و به منزله یکی از مصادیق انفال می‌تواند بر روی طیف وسیعی از مشترکات تاثیر منفی بگذارد نیز می‌بایست با محدودیت‌های اساسی مواجه گردند.

بدین ترتیب، عنایت ویژه‌ای که در فقه اسلامی برای حفاظت از انفال و مشترکات عمومی وجود دارد، می‌تواند مبنایی برای سیاست جنایی مقابله‌کننده با رفتارهای منجر به آلودگی هوا باشد.

۲-۴. قاعده ولایت بر ممتنع

براساس این قاعده، اگر کسی از ادای حقوق دیگران خودداری نماید یا از انجام تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد و یا مانع رسیدن افراد به حقوق خود گردد، حاکم جامعه اسلامی و یا منصوبین از سوی وی می‌توانند به قائم مقامی از سوی او عمل نموده و آنچه را که وظیفه اوست از باب ولایت انجام دهند (گواهی و تقفی، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

براساس این قاعده، ستاندن حق مظلوم از ظالم و رساندن ذیحق به حق خویش یک واجب شرعی است که گاه لازمه آن اعمال ولایت حاکم خواهد بود. با همین استدلال شریکی را که از تقسیم مال الشرکه امتناع می‌ورزد، مشمول قاعده ولایت و حاکم را مجاز به تقسیم مال مشاع دانسته‌اند (دری نجف آبادی، غفاری و یونسی، ۱۳۹۲، ص ۶).

در این رابطه همچنین باید گفت، ولایت به معنای تصدی امور جامعه انسانی، توسط فقیه جامع‌الشرایط، دارای چهار شأن دینی می‌باشد که دو شأن آن علمی و دو شأن دیگر آن عملی است. این چهار وظیفه عبارتند از: حفاظت، افتاء، قضاء و ولاء. براساس وظیفه ولاء، حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمین، موظف به اجرای آنهاست. نظر فقیه جامع‌الشرایط در زمینه‌های اجتماعی، چه در امور فرهنگی، نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی، نظیر منابع طبیعی، جنگل‌ها، معادن، آب‌ها و... و در سایر امور لازم، به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام اسلامی در تمامی امور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تدوین استراتژی‌های بلند مدت، عمران، آبادانی و توسعه جامعه اسلامی و... نافذ می‌باشد و باید در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گیرد. این ولایت، ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی، شکوفاسازی استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنها به کمال و تعالی صورت می‌گیرد (دری نجف آبادی، غفاری و یونسی، ۱۳۹۲، ص ۶).

بدین ترتیب، می‌توان از این قاعده در جهت تبیین اختیار حکومت اسلامی برای تدوین سیاست‌های لازم برای منابع طبیعی و حفظ هوای پاک از یک سو و نیز اختیار آن برای وادار نمودن ممتنع از این سیاست‌ها به گردن نهادن بر آنها از سوی دیگر بهره جست.

۳. چالش‌های موجود در بهره‌گیری از مبانی فقهی از منظر دیدگاه مخالف

اگرچه بنا به شرح پیش گفته، گستردگی فقه اسلامی هرگز قلمرو حفاظت از هوای پاک در برابر متجاوزان را مغفول نهاده است، لیکن، گاهی ممکن است برخی از قواعد و مباحث فقهی در نقطه مقابل این دیدگاه به نظر برسند که برای رفع شبهه به این چالش‌ها می‌پردازیم:

۳-۱. قاعده تسلیط

دین مقدس اسلام مطابق فطرت انسانی، مالکیت را محترم دانسته است و بر خلاف ادعای طرفداران مکتب اشتراکی، انسان بالفطره هرچه را به دست آورد، مال خود می‌داند، بلکه حیوانات هم همین معنا را مطابق غریزه خود دارند و شکار خویش را به دیگری نمی‌دهند، ولی حیوان چون غالباً خوی ذخیره کردن ندارد، لذا پس از سیر شدن بقیه را ترک می‌کند، بچه‌های شیرخوار نیز همین غریزه را در تملک پستان مادر و منع بچه‌های دیگر دارند. علاوه بر این اگر مالکیت شخصی لغو گردد، عشق به کار از بین می‌رود و تنبلی جای کار و کوشش را می‌گیرد، فعالیت از اجتماع رخت برمی‌بندد و شکست اقتصادی حتمی خواهد بود، زیرا اگر انسان بداند که نتیجه زحمات او نصیب دیگران خواهد شد و فعالیت شبانه‌روزی برای او نتیجه‌ای نمی‌دهد، میل به فعالیت و عشق به کار در او می‌میرد و کار برای او یک حالت اجباری و قسری می‌گردد و زندگی پر از عشق و آمال و شور او تبدیل به یک زندگی ماشینی و سرد و بدون عشق می‌شود و هر اندازه مالکیت وی محدودتر

گردد، به همان اندازه عشق کار و فعالیت از او سلب می‌شود و رکود اقتصادی ایجاد می‌گردد. این تجربه‌ای است که در چند دهه از تاریخ بقای نظام سوسیالیسم به دست آمده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳). بر همین اساس است که اسلام مراقب است که مردم از ناحیه قوانینش، در «حرج» و فشار قرار نگیرند (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵). در واقع قاعده تسلیط با حمایت از مالکیت خصوصی اشخاص مقرر می‌دارد: مالک می‌تواند در مایملک خود هرگونه تصرفی به عمل آورد، بدون اینکه کسی حق مزاحمتی برای او داشته باشد. قاعده تسلیط از جمله قواعد مسلم فقهی است. مبنای این قاعده جمله مشهور «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۹۵). بنابراین، آنگاه که انسانی از طریق مشروع مالک زمینی شد، مالکیت او محترم است و به هیچ عنوانی بدون رضای او نمی‌توان در ملک او تصرف کرد که چنین تصرفی غصب و حرام خواهد بود و موجب غضب خدا و کیفرهای سخت اخروی و مجازات‌های شرعی خواهد شد (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵). به همین دلیل است که هر فردی مختار است در اموال خود هرگونه تصرفی که می‌خواهد انجام دهد و از جمله در حوزه مالکیتش. با توجه به این قاعده، اشخاصی که به قطع درختان و یا آلوده نمودن هوا به طور مثال با روشن نمودن آتش و سرایت آلودگی به مناطق مجاور مبادرت می‌نمایند، زمانی که با برخورد عوامل اجرایی و شرکت‌های تابعه آن رو به رو می‌شوند، اظهار می‌دارند که در ملک خصوصی خود اقدام به روشن نمودن آتش کرده‌اند. بدین لحاظ چون مالکیت خویش را شامل زمین و هوای ملک می‌دانند، قباحت عمل خویش را در نمی‌یابند.

در پاسخ به اشکال مطرح شده می‌توان بیان داشت که استفاده از قاعده تسلیط که مبنای آن در عبارت «الناس مسلطون علی اموالهم» گنجانده شده است تا زمانی میسر است که بین این اصل و اصل لاضرر تعارضی نباشد. در غیر این صورت قاعده لاضرر ارجحیت دارد. چرا که حقوق جمعی بر حقوق فردی برتری دارد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۲). بنابراین، به طور مثال آن کس که مالک درختانی در زمین خودش است، اگر بر فرض با آتش زدن درختان موجبات آلودگی هوای منطقه اطراف را فراهم آورد، جامعه می‌بایست بر خلاف اصل تسلیط به مقابله با آن برخیزد، زیرا این عمل نه تنها در جهت منافع جمعی است، بلکه در دراز مدت منافعش عاید مالک آن نیز خواهد شد. در واقع، اگرچه دین مبین اسلام از مالکیت خصوصی اشخاص حمایت می‌کند، اما با کنترل کلی تمایل افراد به مالکیت مخالف است و کنترل آن را تنها در مواردی ممکن می‌داند (گرامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵). از جمله این موارد می‌تواند تامین مصالح مردم باشد. به عبارت دیگر، قاعده احترام بدین معنی است که تصرفات افراد در اموال خویش، منوط به رعایت احترام به حقوق دیگران است (گواهی و تقفی، ۱۳۹۵، ص ۳۴) و نیز بیانگر حرمت تصرف در اموال غیر، بدون اذن مالک و شارع است (سلامی‌زاده و رشوندبوکانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵). شکی نیست که مالکیت خصوصی و بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی می‌تواند علاوه بر نسل فعلی، مصلحت نسل‌های بعدی را نیز به مخاطره افکند. همچنان که استفاده بی‌رویه از مواد تخریب‌کننده لایه اوزون پیامد از بین رفتن منابع، تغییرات آب و هوایی و گرم شدن زمین را به دنبال دارد.

بنابراین، اگرچه قاعده تسلیط از قواعد مسلم فقهی است، لیکن، اجرای مفاد آن محدود به اجرای قاعده «لاضرر» است. در مقام تعارض این دو قاعده، قاعده «لاضرر» مقدم است، به تعبیر دیگر، دامنه قاعده «تسلیط» نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده در ملک خود هرگونه تصرفی کند، بلکه تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد. نکته قابل توجه این که تنها به جهت وجود قاعده «لاضرر» نیست که قاعده «تسلیط» محدود به مواردی می‌شود که به دیگری ضرری نرسد، بلکه اگر ادله لاضرر نیز در کار نمی‌بود، با توجه به بنای عقلا در مواردی که سلطنت مالک منجر به ضرر غیر شود، نمی‌توان به استناد قاعده «تسلیط» به جواز و مشروعیت تصرف حکم کرد (نوحی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸). بدین ترتیب، به طریق اولی، اگر ضرر تمامی افراد جامعه و نسل‌های آینده در میان باشد، نمی‌توان با استناد به قاعده تسلیط، قایل

به اصل تسلیط شد و تصور کرد که مالک می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید، انجام دهد.

۳-۲. قاعده اضطرار

اضطرار، به معنای احتیاج، ناچار و اجبار است (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص ۶۸). قاعده اضطرار از مهمترین قواعد فقهی حقوقی است که با تعبیر مختلفی همچون «الضرورات تنقذ بقدرها» و «الضرورات تبیح المحظورات» بیان گردیده است. اضطرار صفتی است که در اثر شرایط تهدیدآمیز و غیر قابل تحمل، مرتکب را به سوی فعل نادرست می‌کشاند (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص ۶۶). مفهوم قاعده اضطرار و فرمایش پیامبر (ص) در حدیث رفع، آن است که حکم شرعی از آنچه یک مسلمان در هنگام اضطرار، ناچار به انجام آن می‌شود، برداشته و برای مرتکب فعل حرام در چنین مواقعی گناه اخروی و کیفر دنیوی وجود نخواهد داشت. در این راستا، واقعه اضطراری باید دارای شرایطی بدین شرح باشد: خطر مسلم الوقوع و شدید باشد، به وسیله خود مضطر ایجاد نشده باشد و مضطر به موجب شرع و قانون مکلف به تحمل ضرر نباشد (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۴۵). به عبارت دیگر، قاعده اضطرار در مسئولیت اشخاص و دولت تاثیرگذار می‌باشد، به گونه‌ای که در مواردی توجیهی جهت انتشار آلودگی هوا محسوب گردیده است. همچنین قاعده عدل و انصاف را در مواردی در جهت نفی مسئولیت بکار می‌برند. به طور مثال مرتکبین جرم آلودگی هوا در توجیه عدم نصب فیلتر مناسب به منظور جلوگیری از انتشار آلاینده‌های هوا، عدم صرفه و صلاح اقتصادی و پر هزینه بودن آن را ملاک قرار می‌دهند، ضمن اینکه در مواردی با استفاده از قاعده عدل و انصاف در اشتغال‌زایی، امر انتشار آلودگی را توجیه می‌نمایند و نصب سیستم فیلتراسیون را موجبات تحمیل هزینه خارج از توان واحد و در نهایت بیکاری کارگران می‌دانند. همچنین با توجه به قاعده اهم بر مهم که قاعده‌ای عقلی است و به حسب ملازمه مورد تایید شرع قرار گرفته است، گاهی ملاحظات اخلاقی و قاعده استحسان را به منظور اشتغال‌زایی، ملاک انتشار آلاینده‌ها می‌دانند. چنان که در ماده ۱۶۸ قانون مدنی مصر آمده است: هر کس موجب ورود ضرر بر دیگری شود، به جهت رفع ضرر بزرگ‌تر، تنها به اندازه‌ای مسئول است که قاضی آن را مناسب بداند (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص ۷۰-۷۱).

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که فقها، قاعده اضطرار را بیشتر از لحاظ تکلیفی مورد بررسی قرار داده و آن را تنها به عنوان یک حکم ثانوی و استثنایی پذیرفته‌اند. به گونه‌ای که نقش این قاعده در سلب حکم تکلیفی مورد اتفاق و محل نزاع سلب حکم وضعی است (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص ۶۶)، زیرا اگر اضطرار موجب نفی مسئولیت مدنی گردد، حقوق غیر باطل می‌شود. در حالی که براساس قاعده «الاضطرار لا یبطل حق الغیر» چنین امری منتفی است. در واقع پذیرش آن از جنبه حقوقی و سلب مسئولیت مرتکب به صورت نادر می‌باشد. ضمن اینکه قاعده عدل و انصاف نیز تنها توان نفی بخشی از مسئولیت اشخاص را دارد، نه اینکه در مواردی که از حق‌های بشری مانند حق بر هوای پاک می‌باشد، بتواند چاره‌ساز سلب مسئولیت مرتکب باشد. البته ضرورت، اعم از اضطرار می‌باشد، به طور مثال ممکن است انسانی به چیزی مضطر نشود، ولی ضرورت مقتضی انجام آن باشد، مانند موردی که مسئول یک واحد صنعتی آلاینده اضطرار بر نصب سیستم فیلتراسیون جهت جلوگیری از انتشار آلاینده‌ها ندارد، اما ضرورت حفظ سلامتی و حیات موجودات زنده انجام آن را توجیه می‌نماید. همچنین در تقسیم‌بندی اضطرار به فردی و اجتماعی، هرچند نمی‌توانیم اضطرار اجتماعی را همان مصلحت و منافع عمومی بدانیم، اما نمی‌توان قایل به عدم ارتباط این مفاهیم با یکدیگر گردید، زیرا از جمله عوامل تحقق اضطرار اجتماعی، در نظر گرفتن مصلحت عمومی و منافع اجتماعی است.

همچنین ملاحظات اخلاقی در نفی مسئولیت مضطر، قابل پذیرش نیست، زیرا که تحقق انصاف نسبت به مضطر، موجب عدم توجه به این مبنا در رابطه با زیان دیده است و شخص خسارت دیده در ایجاد شرایط نقشی ندارد، که ضررش غیر قابل جبران بماند، بنابراین، حقوق زیان دیده بایستی استیفاء گردد (دانش نهاد و عیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص ۷۱).

۴. مبانی حقوقی سیاست جنایی ایران در مقابله با رفتارهای آلوده‌کننده هوا و چالش‌های موجود

با عنایت به ذات حمایت‌گر حقوق و با عنایت به اهمیت حمایت از هوای پاک در صیانت از حقوق افراد جامعه، قطعاً مبانی خدشه‌ناپذیر حقوقی برای سیاست جنایی مقابله‌گر با رفتارهای آلوده‌کننده هوای پاک وجود دارد. برخی از مهم‌ترین این مبانی به شرح مباحث پیش رو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. بررسی مبانی حقوقی سیاست جنایی ایران در مقابله با آلوده‌سازها

هوای موجود در اطراف ما که در ارتباط مستقیم با زندگی و حیات جانداران اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان می‌باشد، مستلزم مراقبت و کنترل است و این عنصر بیشتر از سایر عناصر به دلیل حیاتی بودن نیازمند مراقبت می‌باشد، چرا که حتی برای چند لحظه امکان حیات و زندگی بدون هوا امکان‌پذیر نیست. موجودات زنده شاید بتوانند چند روز بدون غذا و یا حتی آب زنده بمانند، ولی بدون هوا حتی برای چند لحظه امکان زندگی میسر نمی‌باشد و همین امر دلیل اهمیت و توجهی است که می‌بایست در جهت حفظ و حراست و پاک نگاه داشتن هوا و جلوگیری از آلودگی آن داشته باشیم. در ذیل به مواردی در جهت لزوم مقابله با آلودگی هوا و اهمیت هوای پاک و سالم می‌پردازیم:

۴-۱-۱. حق شهروندان برای حفظ محیط زیست در برابر آلودگی هوا

هم‌چنان‌که بیان گردید، محیط زیست و به ویژه حق هوای پاک به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر و نیز به عنوان پدیده‌ای که دارای حق حمایت ذاتی می‌باشد، دارای اهمیت است (گرجی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۷). به طوری که در مباحث پیشین بیان گردید، آلودگی هوا اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری بر محیط زیست اعم از جانداران و غیر جانداران دارد. به منظور پیشگیری از این امر، دولت‌ها و جوامع نیازمند ارائه راهکار و تدابیری در این رابطه می‌باشند که این امر می‌تواند چه با جرم‌انگاری اعمال مخرب هوای پاک توسط قانونگذار و دولت و چه با اقدامات و تدابیر جامع امکان‌پذیر گردد.

۴-۱-۲. حق شهروندان برای حفظ بهداشت و سلامت عمومی

موضوع آلودگی هوا به خصوص در شرایط اضطراری تبدیل به مشکلی حاد برای سلامت شهروندان گردیده است. بنابراین، دولت‌ها را ملزم به اتخاذ تدابیری در این شرایط می‌نماید. هم‌چنان‌که در این شرایط باعث تشکیل جلسه‌های اضطراری به منظور تعطیلی مدارس و دستگاه‌های اجرایی یا شروع به کار با تاخیر آنها می‌گردد. امروزه مشکل آلودگی هوا به دلیل استفاده از خودروهای تک‌سرنشین، کمبود حمل و نقل عمومی، مصرف بی‌رویه بنزین و قرار گرفتن کارخانجات قدیمی در محدوده شهری و مشکل انتقال آنها به حاشیه شهرها، سلامتی شهروندان را با تهدید جدی مواجه کرده است (مشهدی، ۱۳۹۲، ص ۵۷). از آنجایی که اثرات بهداشتی آلودگی هوا بر سلامت جانداران و مرگ و میر ناشی از بیماری‌های تنفسی و ابتلا به انواع سرطان و حساسیت‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، نیازمند حمایت جدی در همه سطوح و اقدامات کلان و جزئی است.

۳-۱-۴. حق شهروندان برای حیات

در جهان امروز حق استفاده از یک محیط زیست سالم و بدون آلودگی در زمره نسل سوم حقوق‌های بشری محسوب می‌گردد. ضمن اینکه جزء حقوق‌های نسبی رو به تزاید نیز می‌باشد. در واقع مفهوم جهانی‌سازی عبارت است از حفاظت و حمایت از میراث مشترک بشریت در برابر هر نوع زیاده‌روی و سوءاستفاده صاحبان قدرت، خواه داخلی و یا خارجی، بدون اینکه آنها را در درون مرزها محصور نماییم (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۳۴). مانند حق حیات و آزادی و حق هوای پاک، زیرا این حقوق و بسیاری دیگر از حقوق ذاتی انسان‌ها، میراث مشترک بشریت بوده و مورد اجماع کلیه ملل و افراد در همه جای دنیا است، به گونه‌ای که نقض آنها از لحاظ اخلاقی مذموم می‌باشد و دولت‌ها در هر جای دنیا باید به فکر مقابله با آنها باشند. به عبارت دیگر، در جهانی نیز ما به دنبال نهادینه‌سازی حقوقی مشترکاتی هستیم که رعایت آنها در جوامع بشری بدون شک و شبهه مورد پذیرش است، مانند حقوق بشر و محیط زیست و غیره. در واقع این مشترکات همان قواعد بنیادین است که هیچ‌گونه انحرافی را نمی‌پذیرد (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۸۳). در واقع ویژگی الزام حقوقی آنها در سطح جهانی از ضرورت ذاتی این قواعد سرچشمه می‌گیرد. برابر اصل نخست اعلامیه استکهلم «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است». یکی از این حقوق بنیادین و اساسی، حق حیات و داشتن محیط زیست سالم است که از زیرمجموعه‌های آن حق هوای پاک می‌باشد.

بنابراین، موضوع آلودگی هوا در ارتباط تنگاتنگ با حق بر حیات و سلامتی بشر می‌باشد و حق داشتن هوای پاک از حقوق ذاتی همه موجودات و به ویژه انسان‌ها است و می‌بایست مورد حمایت قانونگذار قرار گیرد. در واقع در توصیف و ارتباط حق بر حیات با موضوع هوای پاک، شایان ذکر می‌باشد که حیات هر فردی بستگی به کیفیت محیط زیست وی دارد و این موضوع حیات نیز، هم مرتبط با صرف حیات می‌باشد، مانند موردی که قبلاً ذکر گردید که انسان بدون هوا قادر به ادامه حیات نمی‌باشد و هم مرتبط به کیفیت آن است، به گونه‌ای که عدم وجود هوای پاک منجر به بروز انواع بیماری‌ها برای جانداران و تخریب اموال و ابنیه می‌گردد. با توجه به مراتب موصوف برای برخورداری از حداقل کیفیت زندگی و حیات برای شهروندان، اهمیت هوای پاک و لزوم مقابله با آلودگی آن ضروری است (مشهدی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

۲-۴. چالش‌های موجود در بهره‌گیری از مبانی حقوقی

اگرچه براساس آنچه شرح آن گذشت، مبانی حقوقی محکمی برای بهره‌گیری از سیاست جنایی مقابله‌ای با رفتارهای مخاطره‌آمیز برای هوای پاک وجود دارد، لیکن، گاهی برخی از مسایل و مشکلات در عرصه حقوقی کشور، بهره‌گیری از این مبانی را با چالش رو به رو می‌سازد که در مباحث پیش رو، برخی از این موانع بررسی می‌شود.

۱-۲-۴. عدم انسجام قوانین و کیفی نبودن آن

یکی از چالش‌های سیاست جنایی در موضوع حفظ هوای پاک عدم پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تامین اهداف آن می‌باشد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات به عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق کیفری، سیاست‌گذاران عرصه کیفری را بر آن می‌دارد که به منظور آشنایی تابعان حقوق کیفری با حقوق و تکالیف خود، به صورت شفاف و روشن، قوانین منسجم را با مشخص نمودن افعال و ترک افعالی که جرم می‌باشد و برای آن کیفر تعیین گردیده است، در اختیار آنان قرار دهند. در مقابل، پراکندگی قوانین سبب تشتت سیاست‌ها، برنامه‌ها و عدم هماهنگی بین آنها می‌گردد (کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۸۹). مروری بر قوانین حوزه محیط زیست و هوای پاک حاکی از حجم انبوهی از قوانین و آشفتگی در این خصوص می‌باشد.

هرچند که با تصویب قانون هوای پاک در سال ۱۳۹۶ و تعیین وضعیت قوانین ماقبل در ماده ۳۴، تکلیف را مشخص نموده، اما همچنان در قوانین پراکنده موادی در این خصوص موجود می‌باشد که موجبات سردرگمی را فراهم نموده است. همچنین در راستای کیفی بودن قوانین که به عنوان یک اصل مهم در جرم‌انگاری مطرح می‌باشد و تضمین‌کننده کارآمدی وضع مقررات کیفری می‌باشد، ما شاهد آن هستیم که این امر در قوانین مربوط به آلودگی هوا و به ویژه قانون هوای پاک رعایت نگردیده است. به طور مثال در ماده ۱۳ قانون هوای پاک مراکز صنعتی و تولیدی ... موظف به استفاده از سوخت استاندارد مصوب می‌باشند و در صورت عدم وجود سوخت مناسب، موظفند تا آلاینده‌های هوا را در حد مجاز انتشار نگهدارند. حال ابهامی که در این خصوص وجود دارد این است که سوخت مناسب چیست؟ و اینکه آیا همه مناطق موظف به رعایت یک حد مجاز انتشار آلاینده می‌باشند؟ یا بر حسب مناطق و فعالیت واحدها این امر متفاوت است؟ همچنین در ماده ۸ قانون هوای پاک منظور از بیمه کردن مسئولیت دارنده وسیله نقلیه پس از رسیدن به سن فرسودگی شفاف نمی‌باشد. بنابراین، به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد و در راستای تحقق اهداف اصلی قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و کیفی بودن قوانین، جرم‌انگاری‌ها باید به صورت واژگان شفاف و صریح و در قالب یک مجموعه مشخص و منسجم که نظمی واحد بر آن حاکم باشد، صورت گیرد.

۴-۲-۲. عدم پیش‌بینی مسئولیت مطلق در جرایم آلودگی هوا

با نگاهی به قوانین زیست محیطی و قانون هوای پاک درمی‌یابیم که قانونگذار با تصریح و با استفاده از کلمات، عالماً و عامداً و یا به طور غیرمستقیم و با توسل به کلیات عمومی ارکان تشکیل دهنده جرم، فقدان عنصر روانی اعم از عمد یا تقصیر را موجب زوال وصف کیفری اینگونه جرائم می‌داند (شاهچراغ، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). در حالی که دلایلی وجود دارد که سیاست جنایی کشور می‌تواند در خصوص جرائم زیست محیطی از ضابطه احراز عنصر روانی در ارتکاب اینگونه جرائم فاصله بگیرد، زیرا به دلیل آسیب‌های وارده به هوای پاک که در مواردی غیرقابل جبران می‌باشد و از طرفی به دلیل موقعیت خاص مرتکبین آن، که به طور معمول افرادی صاحب نفوذ و دارای موقعیت بالای اجتماعی می‌باشند، پیش‌بینی این نوع مسئولیت ضروری است، زیرا در غیر این صورت به بهانه فقدان عنصر روانی به راحتی با مرتکب جرم علی‌رغم لطامت غیرقابل جبران در اثر آلودگی هوا با مسامحه برخورد می‌گردد. به عبارت دیگر، در این جرایم با توجه به اهمیت آن و خسارات غیر قابل جبران پس از ارتکاب جرم و به دلیل افزایش ریسک ارتکاب جرم باعث افزایش نظارت‌ها و بازدارندگی می‌گردد و همچنین تحقق آن در راستای اصول پذیرفته شده در زمینه آلودگی هوا از جمله احتیاط، پیشگیری، پرداخت توسط آلوده‌کننده و جبران خسارت می‌باشد (میرخلیلی و سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۱۶۱).

بنابراین، به دلیل آثار زیان‌بار جرایم زیست محیطی و از جمله آلودگی هوا، حقوق‌دانان به دنبال راهکارهایی جهت کاهش این آثار زیان‌بار و ایجاد بازدارندگی لازم می‌باشند که در برخی از نظام‌های حقوقی تحولاتی را در مفهوم تقصیر و رکن روانی ایجاد نموده است. به گونه‌ای که امروزه در بسیاری از موارد در این جرایم مسئولیت، اعم از حقوقی و کیفری، بدون نیاز به احراز تقصیر بر مرتکب بار می‌گردد. در حالی که در سیاست کیفری ایران به گونه‌ای دیگر است، به عنوان مثال طبق ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب سال ۱۳۵۳: صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های آلاینده مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور نیز منوط به اجازه سازمان یا رأی دادگاه صلاحیت‌دار خواهد بود و ضمانت اجرای تخلف از این تکلیف قانونی حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات خواهد بود». ماده ۱۴ قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ نیز با بیانی مشابه اعلام می‌دارد: چنانچه کاهش یا از بین بردن آلودگی واحد آلاینده هوا به تشخیص سازمان، فقط از طریق انتقال صورت گیرد، مسئولین واحد موظف به انتقال می‌باشند و مستنکف از انتقال برابر حکم مراجع قضایی به جزای نقدی محکوم می‌گردد.

همچنین برابر تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون هوای پاک: چنانچه واحد آلاینده پس از اخطار سازمان مبنی بر رفع آلاینده‌گی، اقدامی موثر انجام ندهد، متخلف را جهت پیگرد قضایی به مرجع صالح قضایی معرفی می‌نمایند. همچنین پیگرد قضایی و تعیین کیفر در خصوص مسئولین واحدهای مذکور که رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آلاینده خود بنمایند، نیز اعمال می‌گردد. بررسی این مقررات نشان می‌دهد که آنچه وصف کیفی دارد، آلوده کردن هوا به خودی خود نیست، بلکه ادامه دادن عامدانه فعالیت کاری با وصف علم به آلوده‌کننده بودن آن، حسب اخطار سازمان حفاظت محیط زیست یا دستور دادگاه، واجد وصف کیفی بوده و در ضرورت وجود عنصر معنوی در آن تردیدی نیست که این امر با توجه به ایرادات ذکر شده از قبیل ویژگی خاص این جرایم و مرتکبین آن چالشی بزرگ در حفظ هوای پاک می‌باشد.

۴-۲-۳. عدم جرم‌انگاری بهره‌برداری واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی خلاف ضوابط هوای پاک

با توجه به اینکه در ماده ۱۱ قانون هوای پاک هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل اینگونه واحدها مستلزم رعایت ضوابط قانون هوای پاک می‌باشد، بنابراین، صدور مجوز مقتضی اشاره شده در ذیل ماده موصوف در خصوص احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل تصریح شده در ماده می‌باشد. همچنین تکلیف کمیسیون مورد اشاره در تبصره یک ماده موصوف در خصوص اظهار نظر آلاینده‌گی با توجه به محدوده، حریم و فاصله با شهر و روستا نیز موید همین امر می‌باشد، زیرا این موضوعات، مباحثی است که در احداث و توسعه یک واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، با توجه به مراتب موصوف، بهره‌برداری خلاف مقررات هوای پاک جرم‌انگاری نگردیده است و این امر می‌تواند چالشی بزرگ در ادامه فعالیت باشد، زیرا در صورتی که اقدامات اولیه مانند احداث در راستای ضوابط هوای پاک باشد، ولی در هنگام بهره‌برداری، اصول و ضوابط هوای پاک رعایت نگردد، موجبات آلودگی هوا فراهم می‌گردد.

۴-۲-۴. مقید به نتیجه بودن رکن مادی

با بررسی مقررات کیفی در زمینه آلودگی هوا آشکار می‌گردد که بعضی جرم‌انگاری‌های صورت گرفته مقید به ورود آسیب به عنوان نتیجه شده‌اند، یعنی صرف عمل و یا ترک فعل بدون ورود خسارت و ضرر، مجرمانه محسوب نمی‌گردد. همچنان که در بند یک ماده یک قانون هوای پاک، انتشار مواد آلاینده ذکر شده زمانی مشمول ماده موصوف می‌باشد، که در نهایت برای سلامت انسان و سایر موجودات زنده، آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و موجب کاهش سطح رفاه عمومی گردد. به عبارت دیگر، از مفهوم مخالف ماده استنباط می‌گردد که چنانچه انتشار مواد آلاینده برای موارد ذکر شده زیان‌آور نباشد، آلودگی منتشر شده مشمول ماده موصوف نمی‌باشد. بنابراین، با توجه به اینکه آلودگی هوا جرمی مقید محسوب گردیده است، جهت پیگیری امر می‌بایست نتایج ذکر شده در ماده واقع گردد و صرف انتشار مواد آلاینده مشمول تعریف آلودگی و در نهایت پیگیری آن نمی‌باشد. هرچند که اصطلاح سطح رفاه عمومی نیز موضوعی مبهم می‌باشد که حد و مرز آن نیز مشخص نمی‌باشد. این امر در حالتی است که با توجه به تاثیر به طور کلی غیرقابل جبران جرایم آلودگی هوا، مداخله کیفی قبل از حصول نتیجه با وضع جرایم مطلق و همچنین جرایم مانع به منظور پیشگیری از وقوع جرایم وسیع‌تر و به تبع آن پیشگیری از بروز خسارات بیشتر، ضروری می‌باشد (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۳). در رابطه با جرم آلودگی هوا اقداماتی که می‌تواند در این رابطه صورت گیرد، شامل رفع ابهام از اصطلاحات به کار رفته در قانون هوای پاک، کنترل و مداخله کیفی در دسترسی و استفاده از مواد اولیه آلاینده در واحدهای صنعتی، جرم‌انگاری ممنوعیت احداث واحدهای صنعتی آلاینده برخلاف ضوابط زیست محیطی و عدم رعایت ضوابط نظارتی قانون هوای پاک به عنوان جرم مانع می‌باشد.

۴-۲-۵. بازدارنده نبودن کیفرهای موجود

در خصوص عدم بازدارندگی مجازات‌ها در جرم آلودگی هوا شایان ذکر است که در تبیین دلایل رفتارهای آلوده‌کننده‌های هوا و به خصوص اشخاص حقوقی به عنوان بزرگ‌ترین مرتکبان این جرایم، نظریه‌های مختلفی مطرح گردیده است که یکی از این نظریات رویکرد اقتصادی است. این رویکرد به این معنا است که مرتکب جرم جهت تصمیم به ارتکاب جرم و یا انصراف از آن به سنجش و محاسبه سود ناشی از ارتکاب و همچنین زیان ناشی از اعمال کیفر می‌پردازد و چنانچه با این سنجش و تاثیر عواملی مانند شدت و حتمیت کیفر و قاطعیت مقامات قضایی در تعقیب، هزینه ارتکاب جرم بیشتر از سود حاصله باشد، عاملی بازدارنده قبل از ارتکاب جرم خواهد بود و مجرم بالقوه را از ارتکاب عمل مجرمانه باز می‌دارد. ولی چنانچه عکس این امر ایجاد گردد، یعنی سود حاصله از ارتکاب عمل مجرمانه بیشتر از زیان آن برای مرتکب جرم باشد، باعث ناکارآمدی کارکرد پیشگیری کیفر می‌گردد. بنابراین، بازدارندگی گاهی مربوط به قبل از تحقق عمل مجرمانه و زمانی مربوط به بعد از ارتکاب جرم و تحمل کیفر می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸).

از آنجایی که بیشتر جرایم آلودگی هوا به وسیله اشخاص آگاه و توسط مدیران و مسئولین واحدهای آلاینده هوا که به طور معمول دارای تخصص و دانش لازم در این خصوص می‌باشند، واقع می‌گردد. بنابراین، توجه قانونگذار به رویکرد اقتصادی می‌تواند با توجه به نقش کیفرها در لطمه به حسن شهرت و اعتبار مرتکبین جرایم آلودگی هوا و در نتیجه در بازدارندگی کیفرهای تعیین شده موثر واقع گردد. در قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ نسبت به قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب سال ۱۳۷۴ اهمیت بیشتری به بازدارندگی کیفرها و محاسبه سود و زیان داده شده است. به طوری که در تبصره ۲ ماده ۶ قانون، کیفر صدور گواهی معاینه فنی برخلاف مقررات را همان کیفر صدور گواهی خلاف واقع موضوع ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی و حتی تاکید بر اعمال حداکثر کیفر بیان نموده است و یا در تبصره ۲ ماده ۳ قانون، کیفر مسئولین و مدیرانی که ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مقرر در این قانون را رعایت ننمایند، انفصال از خدمت موضوع ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی تعیین گردیده است. همچنین پیش‌بینی پرداخت جزای نقدی و تکلیف به جبران خسارت متخلف به صورت توأمان نیز گامی مثبت در این خصوص می‌باشد، هرچند که تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله می‌باشد.

همچنین می‌توان از سایر کیفرها نظیر حبس و یا شرمساری با انتشار احکام صادره و روش‌های دیگر استفاده کرد. این امر در حالی است که به طور معمول جرایم آلودگی هوا در قانون هوای پاک از جرایم درجه ۶ تا ۸ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محسوب شده‌اند که بسیار با ویژگی این مرتکبین اندک و غیر بازدارنده است. با توجه به مراتب بیان شده، کیفرهای موجود در تامین هدف بازدارندگی چندان کارآمد نبوده‌اند. هرچند که در ماده ۶۸ قانون، تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و همچنین ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به منظور حفظ بازدارندگی کیفر جزای نقدی، پیش‌بینی تغییر کیفر جزای نقدی متناسب با نرخ تورم، هر سه سال یکبار گردیده است، ولی راه حل مفید، پیش‌بینی کیفرهای بازدارنده در قوانین تخصصی زیست محیطی و به ویژه قانون هوای پاک می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت گرفته می‌توان بیان نمود که مباحث مبنایی سیاست جنایی برای مقابله با جرایم آلودگی هوا در فقه و حقوق کم نیست و هر یک، حرف‌های زیادی برای بیان اهمیت حفاظت از هوای پاک و بی‌توجهی به این موضوع دارند. لیکن، با وجود این مبانی نظری قوی، متأسفانه در عمل، سیاست جنایی موجود نتوانسته در مسیر و در راستای اهداف این مبانی آن طور که باید و با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود حرکت کند. آمارهای موجود در خصوص مرتکبین آلودگی هوا حاکی از همین امر مهم است. یکی از دلایل مهم این عدم توفیق، عدم اطلاع‌رسانی و عدم فرهنگ‌سازی به صورت کافی و نیز ناهماهنگی مبانی نظری با مسایل اجرایی و عملی است. به عبارتی می‌توانیم در کنار اتخاذ سیاست کیفری مطلوب با توجه به داشتن هوای پاک به عنوان یکی از حق‌های بشری، با نهادینه کردن فرهنگ حفظ هوای پاک و متعاقب آن اولویت‌بخشی به این مهم در همه اقدامات و فعالیت‌ها و با ایجاد برنامه‌هایی در قالب پیاده‌روی خانوادگی و تشویق به حفظ هوای پاک با تقدیر از فعالان این حوزه در صنعت با برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها و استفاده از توانمندی سایر بخش‌های جامعه به گونه‌ای عمل نمود که این امر فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن محقق گردد.

بنابراین، مسئول هر واحدی که در فعالیت خود زمینه‌ساز آلودگی هوا می‌گردد، با اشراف و آگاهی یافتن از این امور اولویت فعالیت خود را حفظ هوای پاک بداند و جلوگیری از آلوده نمودن هوا را مقدم بر صرفه و سود اقتصادی خود بداند. بنابراین، مهمترین اقدام در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جرایم آلودگی هوا، تغییر نگرش از سود محوری به سمت و سوی اینکه در هر اقدام و فعالیت محیط زیست محور باشد، است. در واقع نهادینه کردن فرهنگ زیست محیطی، موجبات خود الزامی در حفظ هوای پاک و جلوگیری از آلودگی آن را فراهم می‌نماید. ضمن اینکه در کنار این امر تدوین قوانین آلودگی هوا متناسب با امکانات موجود کشور و فراهم بودن زیرساخت‌های اجرایی آن از اقدامات مهم دیگر در این راستا می‌باشد. متأسفانه در عمل، اجرای سیاست‌ها با نوعی تساهل‌گرایی همراه است که هم در میان مردم و هم در میان مسئولین به چشم می‌خورد و دلیل عمده آن هم بی‌اطلاعی از مبانی فقهی و حقوقی به خصوص مبانی فقهی است. آنها فکر نمی‌کنند که عاملان آلوده نمودن هوا شرعاً مرتکب گناهی شوند. لذا، مبانی حقوقی که عمدتاً ریشه در مبانی فقهی دارند نیز زیر سوال می‌روند.

لیکن در این بررسی مبانی قوی فقهی برای لزوم حفاظت از منابع فقهی به دست آمد که می‌تواند ریشه و تکیه‌گاه محکم مبانی حقوقی نیز باشد. بنابراین، در پاسخ به سوالات تحقیق می‌توان گفت که فرضیه‌ها تایید می‌شوند، چراکه اولاً در فقه مبانی قوی بازدارنده‌ای برای حفظ هوای پاک وجود دارد، قاعده مزاحمت، منع اضرار به غیر و ولایت بر ممتنع و... از آن جمله‌اند. ثانیاً، مهم‌ترین مبانی حقوقی برای پیشگیری از جرایم آلودگی هوا رسالت حقوق برای حفاظت از منافع مشترک عمومی تحت عنوان حقوق بشر و حق بر هوای پاک و حیات در نگاه جزئی‌تر حقوق شهروندی است که در فقه با حمایت از مشترکات و انفال جایگاه خاصی دارد و به عبارت دیگر، خود ریشه در مبانی فقهی دارد که برای مالکیت و منفعت جمع نسبت به فرد ارجحیت قایل است. همچنین، این مبانی می‌توانند توجیه‌کننده سیاست جنایی موجود و حتی تدوین یک سیاست جنایی سنجیده و کامل‌تر جدید باشند. لذا، شایسته است که از قدرت مبانی موجود، نه برای توجیه سیاست جنایی فعلی، بلکه برای یافتن نقاط ضعف و دلایل عدم توفیق آن و نهایتاً شروع مجدد و تدوین یک سیاست جنایی سنجیده و با پشتوانه بهره‌جست. بدیهی است که انجام این مهم، جز از طریق بهره‌جویی از نظر عالمان و متخصصان علوم مختلف، به ویژه آگاهان به نحوه بهره‌گیری از داده‌های سیاست جنایی به دست نخواهد آمد.

منابع

۱. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۹). **مالکیت خصوصی در اسلام**. تهران: انتشارات دادگستر.
۲. پوربافرانی، حسن؛ همتی، مرضیه (۱۳۹۵). نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست محیطی. *مجلس و راهبرد*، سال ۲۳، شماره ۸۷.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). **حقوق محیط زیست در ایران**. قم: انتشارات مهر.
۴. جعفری، فریدون (۱۳۹۰). **دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری**. تهران: نشر میزان.
۵. حبیبی، محمد؛ نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۸۸). ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی. *حقوق خصوصی*، شماره ۱۵.
۶. دانش‌نهاد، محمد؛ علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۶). مبانی قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت. *جستارهای فقهی و اصولی*، سال ۳، پیاپی ۶.
۷. درّی نجف آبادی، قربانعلی؛ غفاری، هادی؛ یونسی، علی (۱۳۹۲). **الزامات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در پرتو قواعد فقهی اقتصادی**. در: مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت. تهران: دومین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
۸. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱). **حقوق بشر در هزاره جدید**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سلامی‌زاده، فاطمه؛ رشوندبوکانی، مهدی (۱۳۹۵). قاعده احترام در فقه امامیه. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره ۲، شماره ۳/۱.
۱۰. شاهچراغ، حمید (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا. *حقوقی‌دادگستری*، شماره ۷۸.
۱۱. صدوق، محمدباقر (۱۳۸۴). **مقدمه‌ای بر شناخت آلودگی هوا**. اراک: اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی.
۱۲. عبداللهی، محسن (۱۳۸۶). حمایت کیفری از محیط زیست: تاملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی. *علوم محیطی*، سال ۵، شماره ۱.
۱۳. عظیم‌زاده اردبیلی، فایزه؛ حسابی، ساره (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهومی آن. *تعالی حقوق*، سال ۴، شماره ۱۵.
۱۴. **قانون هوای پاک، مصوب سال (۱۳۹۶)**. تهران: مجلس شورای اسلامی.
۱۵. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی. *اطلاع‌رسانی حقوقی*، سال ۶، شماره ۱۷ - ۱۸.
۱۶. گرامی، محمدعلی (۱۳۸۵). **درباره مالکیت خصوصی در اسلام**. قم: دفتر آیت‌الله العظمی گرامی، ج ۱.
۱۷. گرجی‌فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). **جرم‌شناسی سبز**. تهران: انتشارات میزان.
۱۸. گواهی، زهرا؛ ثقفی، مریم (۱۳۹۵). مبانی فقهی - حقوقی سلب مالکیت توسط دولت. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۱۵.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۲). **مباحثی از اصول فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۳.

۲۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت-مسئولیت). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ۲۱، ویراست دوم.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ۱۴.
۲۲. مشهدی، علی (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق مجوزهای دولتی. تهران: انتشارات خرسندی.
۲۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه محمود صلواتی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ ۲، ج ۸.
۲۴. میرخلیلی، سید محمود؛ سالاری فر، ابوزر (۱۳۹۶). بازنگری رکن روانی جرم در جرایم زیست محیطی و نگاه اسلام به آن. پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، شماره ۲۸.
۲۵. نادری، مریم و دیگران (۱۳۹۶). گزارش کیفیت هوای تهران ۱۳۹۵. تهران: مرکز چاپ نشر شهر.
۲۶. نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران. تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱.
۲۷. نوحی، حمیدرضا (۱۳۸۶). قواعد فقهی در آثار امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج.
۲۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. قم: انتشارات بوستان کتاب، ج ۱.